حدیث مذکور است که انا محمد وانا احمد والمقفی والحاشر ونبی الرحمة ونبی التوبة شافع یعنی درخواست کننده است گناه
یعنی شفاعت دارد و مشهور در بارهٔ مذنبان نار سیاه اذا اول شافع واول مشفع یوم القیمة شفیع روحی شاید که مبالغه شافع باشد
اذا اول شفیع فی الجنة مستشفع یعنی طلب شفاعت کننده و بالای اهل استحقاق فانا مستشفعهم اذا حبسوا و برادر انبیا صورت بصیرت
مشفع حیث تحقق وقوع آنست اکرم الاولین والآخرین یعنی کرامی ترین همه بندگان از گذشتگان و آیندگان انا اکرم الاولین و
الآخرین امام النبیین یعنی پیشوای پیغمبران و رهنمای خاتم خطیب النبیین یعنی خطیب پیغامبر عزت کرامت کننده
النبیین وخطیبهم اکرم ولد آدم یذکر کوار ترین فرزندان آدم از حسب وجسم وفصیح عجم انا اکرم ولد آدم حبیب الله یعنی دوست
در زنده خدای یا دوست درست حضرت کبریا انا حبیب الله ولا فخر حامل لواء الحمد یعنی بردارنده لوای ستایش کرنشست بر ایشان
فیفتح کتابش انا حامل لواء الحمد یوم القیمة رسول الرحمة یعنی فرستاده رحمت لطف از روح در جنت دنام مبارک ایشان بر صورت
آثار رسول الرحمة رحمة مهداة یعنی رحمتی که دوست هدیه پروردگار عالم انما انا رحمة مهداة نبی الملحمة یعنی از طرف حسب آنحضرت نبوت
جهاد و عازم در نفع فساد بود و نبی الملحمة در حدیث وارد است و رسول السلام خیر دست خلیل الرحمن یعنی دوست خدای مهربان
دوستی پیر عای در صحیح مسلم آمده که فان الله قد اتخذنی خلیلا کما اتخذ ابراهیم خلیلا ختم یعنی بخشنده عطایای عارف بطایف
دقایق و لطایف در انواع بیت آورده که حضرت پیغمبر فرمود که کلی این مرد و آمد و گفت انت ختم و این حدیث در شرح مشارق بر دو گونه
یعنی ختم پیغمبران که نگشته که جامع جمیع خیرات و اصل آنست که او سعد دست از قاتم که یعنی خیر العطایا باشد و شیخ سعد الدین الملوی قدس الله روحه
که قاف ختم را خوذ از قدرت و ناهیش از فرد یعنی امروی بر کست نو بخشنده و نفع رساننده و ای غیر کامل روی دیر دکی زان بخشنده
ثابت نیست چه مردی از ان بشر که در شب کرامت دیده باشد از روی حضرت بر هر چه ترقی نیست و ارد نیکند ما زاغ البصر وما طغی
دکلم بزرگی و آن بار که هیچ چیز از کشف سبدعات و طرف موجودات که تفصیل و از علوم تا نه عدم بیاز زر وجود آمده بود و ذات صفات نامزد
در رتبه وصال خود شهود و جمال سر در نیاورد که ما کاس لادنی والدنی الاعلی ای شده در حالت علاج از اوج کمال صدر اوان دنا
قدر تراصف نعال یا رسول الله تو اصلی هر دو عالم فرع تو هیچکس را در دو عالم نیست این جاه و جلال و در یعنی تنها بجای ختم قیمت
یعنی قایم کننده نبات ملت درین جهان بحمایت سابق یعنی از مرتبه پیش از همه آرایش عن الاخوف السابقون السابقون
سپاس رانده و آگهی پرستنده ما شاهی الله کون عبدا شکورا فاتحه یعنی گشاینده ابواب میان شریعت خاتم یعنی مهر نهنده
بر در ما در این طرز طریقت در حدیث اسری بر روایت ابی هریره منقولست که وجدنی خاتما وخاتما قاسم یعنی بخشنده از ارزاق حقایق
بجوینده کان آثار دقایق انما جعلت قاسما فمن یکرم اول یعنی پیش از پیرستیاق سیاد بن جلال آخر یعنی پیش از پیرستان
محتشم که کمال کنت اول الانبیاء فی الخلق وآخرهم فی البعث عدل حقیقت عن الاخوین السابقون السابقون است یعنی اول الکل
الکل قاید المرسلین یعنی پیشکار فرستادگان و رهنمای ایشان بمنازل من الکان انا قاید المرسلین سید الرسل یعنی سرور
آوسیادن بکل الکل و افضل الکل انا سید ولد آدم ولا فخر بیت ای شیخ کشته بر نامت نشان مهتری ختم نبوت شریعت مصطفی

لمعه ثالثه در بیان نامهای که کتاب علما گرفته معتبر ایراد نموده اند سوی سماهای مذکوره و آنچه بر قسم قسام مرحی و بیان اول مذکور
در کتب سماوی مذکور است دوم آنچه متون اخبار و آثار است باتفاق و اند قسم اول و نوست یکی که بعینه عبرانی نقل شده و دیگر
بعربی ترجمه کرده اند و اصل آن لغت معلوم نیست نوع اول از قسم اول پانزده است در صحف شیث طهاشا و رشد و طاهما
بیم مضمومه و شین معجمه و قاف مشدده مفتوحتین و ما هاهلا و یعنی آن سپرده باشد و انوار جلیله آرد و کشیخ مفتح اهل آن کتاب قدیم است
پس یعنی شیخ باشد ۲ در صحف ابراهیم مرقیطاست یا ماحوه و کمور و دراهلا ساکنه و قاف مکسوره و یا مثلثات سه تحت و ها هملا مفتوحه
و الف و یعنی او در شن مرایست در صحف موسی که تنزیل توریه بوی نازل بود و اخوا ذا نذکو کرست بمبر و مضمونه خاتم بعد ساکنه و ذا هملا مفتوحه
و الف و یا مثلثه تحت مفتوحه و الف و یعنی او سید آدمیان پیغمبر است در صحف ذوبا در داست بجان مضمونه و را
مهمله ساکنه و میم مفتوحه و الف و یا مثلثه تحت مفتوحه و الف و یعنی او سید آدمیان است و این اسم از ایات یا برکت نقل فاء و نوح
اعید کشت است بمبر و مضمونه ما هاهلا و کمور و یا مثلثات سه تحت ساکنه و دال مهمله در کتاب تهذیب الاسماء و لغات نوی از این جا
یعنی از نقل کرده که حضرت عیسی نه عدد آن ذموده اند که نام من در آن قرار است و در انجیل احمد در توریه احید و انجید و لغت عبری هست
یعنی فارغ سیکم تشن و انخ راز است خود هم در توریه ما ذاز ذموده و این دلفظ است هر یک از دو میم مفتوحه و الف و ذال معجمه
یعنی او پاک پاکست و در کتاب شفاء قاضی عیاض مذکور است که و من اسمائه فی الکتب السابقة ما ذا ما ذا ما هما یعنی و این کسی که
از احبار یهود که شرف اسلام مشرف شده بود از حقیقت این اسم پرسیدم جواب داد که ز علما ما ذا ما ذا ما هما است بیم مفتوحه و الف و ذال
مضمومه و دال مهمله ساکنه و یعنی دلفظ آنست که رسیده و حاجات غایت و از ان اتفاقات حسنه گشت که طبع بخطی بحساب جمل کرنبای یعنی
احکام توریه بر هست خود و دو و تنع شد بطابق هم خمسه علی سمات فضل الصفوة قد زبو حیا طاهرا و حشد و یا مهمله مفتوحه و میم ساکنه و یا
مثلثه تحت مفتوحه و الف و طا مهمله مفتوحه و الف در کتاب فوجبان ابو عبید از کعب الاحبار نقل میکند که اسما پیغمبر باصلوات الرحمن
کتب سابقه محمد است و احمد و حیا طا یعنی حامی حرم ۲ در آیات یا برکت آورده که یک نام آنحضرت در زبور کیلی است بمبر و مضمونه و کاف
مکسوره و یا مثلثه تحت ساکنه و لام مشدده و الف یعنی مکافات کننده و بیکوی هم در آیات یا برکت است که در زبور کیلی
حضرت را عوج کرکشه بدال مهمله مفتوحه و عین مهمله مضمونه و او ساکنه و را مهمله مفتوحه و الف و یعنی او دکر نسانت از خدای در کتاب
کرنبا بن یا رخیا و تریع الملک سیکوید فذا قول اب فی زبا یالی و این لفظ بزا مثلثه مفتوحه و میم است و را مهمله ساکنه و یا مهمله مفتوحه
و الف و یا مثلثه تحت مفتوحه و الف و لام یعنی او هیبت بسیار تایش یافته از خدای در کتاب حیقوق پیغمبر نوشته
بزا مهمله مفتوحه و ها ساکنه و یا مثلثه تحت مفتوحه و الف در او نوشته یعنی کرد او نوشته یعنی اسما عبرانی و سریانی است بفتح بزا و فتح عبرانی
کرد خدای و بشن کرد و بند آسمان از نور محمد مسلوات تا عید و بیکوانا یکن معنی او بر نو جلوه کرد و کرد مرسه مقر در انجیل فاران طهاست
بفا مهمله مضمونه و الف و را مهمله مکسوره و قاف ساکنه و لام مکسوره و یا مثلثه تحت ساکنه و طا مهمله مفتوحه و الف و یعنی تنع انجیل